



معادل یابی "بَلْ ضَرَبَ" در ترجمه‌های فارسی
(قرآن کریم)



مؤلف:

مریم خدا بخشی

سرشناسه: خدابخشی، مریم، ۱۳۵۷-

عنوان و نام پدیدآور: معادل‌یابی "بَلْ اِضْرَاب" در ترجمه‌های فارسی (قرآن کریم) / مولف مریم خدابخشی؛ ویراستار مجید سوار.

مشخصات نشر: تبریز: سوار آفتاب، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۳۵۴ ص.: مصور (بخشی رنگی).

شابک: 978-622-96384-0-8

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: قرآن--مسائل لغوی

موضوع: QUR'AN - LANGUAGE, STYLE

موضوع: قرآن -- واژه‌شناسی

موضوع: QUR'AN - *LEXICOLOGY

موضوع: قرآن -- صرف و نحو

موضوع: QUR'AN - GRAMMAR

موضوع: قرآن -- ترجمه‌ها

موضوع: QUR'AN - VERSIONS

شناسه افزوده: سوار، مجید، ۱۳۵۶-، ویراستار

رده بندی کنگره: BP۸۲/۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۳



شناسه کتاب

عنوان کتاب: معادل‌یابی "بَلْ اِضْرَاب" در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم

مؤلف: مریم خدابخشی

ویراستار: مجید سوار

ناشر: انتشارات سوار آفتاب

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۳۸۴-۰-۸

تعداد صفحات: ۳۵۴

نوبت چاپ: اول

سال و محل نشر: ۱۳۹۸ تبریز

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قطع: وزیری

بهاء: ۶۰۰۰۰ تومان - طراح روی جلد: علی موحدی



فهرست مطالب

عنوان:.....	صفحه.....
مقدمه:.....	۵.....
فصل اول: مفاهیم و کلیات.....	۱۰.....
درآمد - مفاهیم.....	۱۱.....
ترجمه - حرف ابتدا - اضراب.....	۱۲.....
پیش درآمد واژه «بل».....	۱۴.....
قواعد دستوری مجهول حرف «بل».....	۱۶.....
تفاوت نگاه نحویان در قواعد دستوری حرف «بل».....	۲۱.....
وجود استفهام قبل از «بل».....	۲۹.....
بسامد حرف عطف «بل» در قرآن.....	۳۷.....
جمع بندی.....	۴۲.....
فصل دوم: عملکرد برخی مترجمان برای ترجمه آیات حاوی «بل».....	۴۶.....
بسامد باز سازی انواع بل و آیات نیازمند باز سازی.....	۳۴۴.....
جمع بندی.....	۳۵۳.....

آدرس پستی: انتشارات سوار آفتاب: تبریز خیابان منتظری کوی انقلاب کوچه بهره مندی پلاک ۲۰/۱ طبقه سوم
 کد پستی: ۵۱۶۴۹۹۳۹۹۶۶ تلفن تماس: ۰۴۱۳۵۴۵۳۵۴۷ تلفن همراه: ۰۹۳۶۴۳۰۶۴۲۶

جهت ارسال هر گونه انتقاد و پیشنهادات با شماره همراه: ۰۹۱۹۲۴۵۳۰۹۱ در ارتباط باشید.
 حق چاپ برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

ترجمه قرآن، تاریخی هزار و چهارصد ساله دارد. تصور ترجمه‌ی قرآن به زبان فارسی را از قرن نخست تا دوره‌ی معاصر می‌توان به چهار مرحله و بحران تقسیم کرد. اولین ترجمه آیات در دوره حیات پیامبر و توسط فرستاده آن حضرت به حبشه انجام شده است. وقتی جعفر بن ابی طالب فرستاده‌ی رسول خدا با همراهانش به حبشه رسیدند و در برابر نجاشی و دیگر اعضای هیئت او قرار گرفتند، جعفر بن ابی طالب آیاتی را که بیانگر نگاه اسلام به حضرت مریم بود، ترجمه کرد. صدرالافاضل معتقد است وی زبان حبشی می‌دانست؛ یعنی از قرن نخست ترجمه قرآن به زبان‌های دیگر جایز و لازم بوده است، زیرا یکی از راه‌های انتقال فرهنگ دینی و تمدن است. بر اساس روایتی، از همان دوره نخستین، هنگامی که ایرانیان از سلمان فارسی درخواست ترجمه سوره حمد کردند، ترجمه تحت‌اللفظی مورد توجه قرار گرفت. سلمان فارسی ترجمه قرآن مجید را بنیان گذاشت؛ البته آنچه از او باقی مانده، ترجمه بِسْمِله است. پس از آن پیش از قرن چهارم هجری بی‌شک ترجمه‌هایی صورت پذیرفته است؛ اما آنچه به شیوه رسمی و در دسترس باشد، ترجمه تفسیر طبری در دوره‌ی نوح بن منصور سامانی در ماوراءالنهر است که پس از استفتاء توسط او و صدور فتوا از علمای آن دیار نوشته شده است. این فرایند، گذر از اولین بحرانِ علم ترجمه قرآن؛ یعنی پذیرش ترجمه کتاب‌الهی به زبان فارسی بوده است. این امر موجب شد، آرام‌آرام، راه برای ترجمه قرآن به زبانهای دیگر نیز گشوده شود. همچنان‌که امروزه شاهد ترجمه‌ی قرآن به بیش از صد و پنجاه زبان زنده دنیا هستیم. آمار هفتاد و نه ترجمه موجود به زبان‌های مختلف از مرکز ترجمه قرآن مجید در تفسیر و مفسران آمده است. تصور عالمان جامعه در زمینه قداست کتاب‌الهی، به حدی بود که ترجمه آن به زبان دیگر، برای آنان بسیار سخت و ناممکن می‌نمود. از این رو، همین اندیشه مانع بزرگی برای ترجمه‌ی قرآن به زبان فارسی شده بود. باید با گذر زمان، درخواست‌ها و نیازمندی مردم غیرعرب تا جایی اوج می‌گرفت که این سد شکسته می‌شد. پس از گذران اولین بحران ترجمه قرآن یعنی اجازه این کار و کم‌رنگ شدن اندیشه‌ی از بین رفتن

قدسیت کلام الهی به وسیله‌ی ترجمه آن کتاب به زبانی دیگر، این پدیده به بحران دومی برخورد که آن شیوه‌ی ترجمه است. مترجمان، روش ترجمه قرآن را، حدود هزار سال از قرن چهارم تا چهاردهم هجری به جهت رعایت امانتداری کامل، تحت‌اللفظی اتخاذ کرده‌اند. برخی محققان نداشتن نظریه‌های زبانی در باب ترجمه را، از جمله دلایل این امر برشمرده‌اند؛ اما بزرگترین علت این امر، تعالی مقام قرآن، نزد مترجمان مسلمان بود که برخی از ایشان، می‌اندیشیدند در برابر هر کلمه از آن کلام الهی باید معادلی فارسی قرار دهند. کریمی‌نیا یکی از محققان قرآن‌پژوه می‌گوید؛ اکنون نیز، کم نیستند افرادی که واحد ترجمه قرآن را کلمه می‌دانند. در حالی که قرآن هم مانند متون دیگر چون متنی زبانی است، ویژگی‌های زبانی دارد؛ یعنی حاوی برخی ادوات یا کلمه‌ها است که در زبان مقصد برای آن معادلی نمی‌توان یافت؛ بنابراین با توجه به نوع کلمه و ساختاری که در آن به کار رفته است، باید رفتارهای متفاوتی در برابر آن‌ها داشت و حتی برخی از آن‌ها را می‌توان حذف نمود، بی‌آن‌که لطمه‌ای به ترجمه بزند؛ زیرا آن کلمه، جایگاه دستوری نداشته و حذف آن‌ها معنای جمله را تغییر نمی‌دهد، بنابراین می‌توان گفت، باید بر اساس تعادل‌سازی ساختارها، محدودیتهای قرآن را نیز استخراج کرد و به ترجمه افزود؛ زیرا همان‌گونه که ساختارهای زبانی با هم متفاوتند، ساختار زبان قرآن نیز با ساختار زبان فارسی تفاوت دارد. پای‌بندی بیش از اندازه‌ی مترجم به زبان مبدأ در این روش، به انجام متن مقصد آسیب می‌رساند و این امر موجب می‌شود که خواننده از درک ارتباط کلمه و جمله‌ها با هم عاجز مانده و معنای آیه را به‌خوبی درک نکند؛ زیرا با ای‌گرن نمودن کلمه‌ای با همان خصوصیت در زبان مقصد کاری دشوار و گاه ناممکن است و این نوع ترجمه قادر نیست، اصل معنا را پیاده کند. این نوع نوشتار در ترجمه، فقط برای اختصاص این فن قابل استفاده است. به بیان محمد هادی معرفت، نارساترین نوع ترجمه، ترجمه تحت‌اللفظی است. حدود هزار نمونه از این گونه ترجمه به زبان فارسی وجود دارد. تقریباً دو دهه پیش، از سوی مؤسسه انتشارات آستان قدس رضوی فهرست سیصد و بیست و شش نسخه از آن‌ها در مجموعه‌ای معرفی شد. آن بحران طویل دوم به همت مرحوم الهی‌قمشه‌ای، پشت سر نهاده شد. البته این حساسیت طویل فقط درباره‌ی قرآن نبوده است؛ از آن‌جا که سپس رون، ترجمه آزاد را بنیان گذاشت و آن را پیشنهاد کرد، اما گروهی مانند جوم، مترجم به نام قرن چهارم میلادی و

از مهم ترین نظریه پردازان ترجمه در سنت ترجمه‌ی غرب، در برگردان انجیل از شیوه‌ی تحت‌اللفظی بهره برده است. او ترجمه آزاد را برای متون نامقدس مناسب می‌دید و در برگردان انجیل ترجمه‌ی تحت‌اللفظی را پیشنهاد می‌داد. گروه دیگری هم ترجمه آزاد را پیشنهاد می‌داده‌اند. پس از ظهور اسلام، اختلاف در شیوه‌ی ترجمه‌ی کتاب مقدس انجیل نیز بالا گرفت. پس از سیر تکاملی هزار و چهارصدساله ترجمه قرآن به زبان فارسی، اکنون در سده پانزدهم، روش‌های مختلفی همراه با ترجمه‌های فراوانی به وجود آمده است. اندیشمندان این علم برآنند، شیوه و قواعدی برتر را ارائه دهند تا افراد عمومی بیشتر با این کلام الهی انس بگیرند و ترجمه‌هایی ارائه دهند که به پیام متن اصلی نزدیک‌تر باشد؛ زیرا آنان به خوبی پی برده‌اند که وجود پای‌بندی افراد به تلاوت قرآن، روند روی آوری به ترجمه و فهم آن بسیار ضعیف است. یک از علل بسیار مهم عدم انس و الفت غیر عرب‌زبانان با ترجمه قرآن به علت فقدان یک ترجمه جامع و آسان‌فهم با روشی سلیس، شیوا، گویا و رسا است. در حال حاضر بحران ترجمه قرآن در دوره سوم به سر می‌برد. این بحران در سه دهه‌ی اخیر با تحولی عظیم همراه بوده است. موضوع این بحران، روش برتر ترجمه است. مقصود از روش، مؤلفه‌های تأثیرگذار در فرآیند ترجمه است؛ مثل نوع گزینش و چینش واژه‌ها و جمله‌ها، برقراری تعادل ساختاری دو زبان مانند باریان محذوف‌ها که نتیجه آن، گونه خاصی از ترجمه را به وجود می‌آورد. در طول تاریخ ترجمه قرآن، از یک اندک مترجمان عناصر و مؤلفه‌های جدیدی بر آن افزوده‌اند و ترجمه‌های غنی‌تر و جذاب‌تری به نگارش درآورده‌اند. به این ترتیب روش‌های گوناگونی از ترجمه قرآن را پدید آورده‌اند. ترجمه‌های فارسی قرآن به روش‌های: تحت‌اللفظی، معادل، محتوایی (معنایی)، آزاد و تفسیری (ساختاری) (ارتباطی) ارائه شده‌اند. از دیدگاه محمدهادی معرفت، ترجمه آزاد به شرط آن‌که رسا را کامل منتقل کند، جایز، مرغوب و مطلوب است. وی جواز این نوع ترجمه را در تفسیر و مفسران شرح داده است. بسیاری از این مؤلفه‌ها تثبیت شده و مترجمان آن‌ها را به کار می‌برند؛ اما برخی از آن‌ها مانند معادل‌یابی و احصاء محذوف‌ها، تثبیت نشده است. از این رو، بحران چهارمی پیش روی ترجمه است و آن تفاوت دیدگاه در بازسازی محذوف‌های قرآنی است. این مطلب را قلیلی از معاصران با پرداختن به ترجمه‌ای متفاوت، به‌طور عملی مورد توجه قرار داده‌اند. با وجود

این که بسیاری از مترجمان در عمل به آن ناگزیر بوده‌اند؛ ولی هم در پذیرش ضرورت این امر و هم در چگونگی و روش اجرای آن سخن فراوان است. بعدها که بحران دوم پشت سر نهاده شد، برخی مترجمان افزوده‌هایی داشته‌اند که درون پرانتز یا حاشیه یا پاورقی می آورده‌ند. در این بین، عده‌ی خیلی معتقدند؛ اولاً: بازسازی محذوف‌ها و معادل‌یابی حروف ضروری است. ثانیاً: این بازیابی‌ها از خود متن اصلی هستند و باید در ترجمه نوشته شوند، بی‌آن‌که از پرانتز و حاشیه و پاورقی استفاده کرد و این همان بحران چهارم است که باید درباره‌اش نیک اندیشید؛ زیرا یافتن فوائد یا نواقص هر امری موجب پیشرفت آن می‌شود. از سویی، انتقال فرهنگ دینی که یکی از اهداف ترجمه متن مقدس است، ضرورت بازنگری و نظریه‌پردازی در افزوده‌های تفسیری و آنرا را بیشتر آشکار می‌سازد. به نمونه‌ای برای ضرورت احصاء و بازیابی محذوف معادل بل توجه کنید: در سوره فجر این چنین آمده است: «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ۝ ثُمَّ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ ۝ ۱۶»؛ اما انسان، هنگامی که پروردگارش وی را آزرده، و عزیزش می‌دارد و نعمت فراوان به او می‌دهد، می‌گوید: «پروردگارم مرا گرامی داشته است» و اما چون وی را می‌آزماید و روزی‌اش را بر او تنگ می‌گرداند، می‌گوید: «پروردگارم مرا خوار کرده است». بعد از این دو آیه ابتدای کلام بل همراه با قید تکرار قرار گرفته است: «كَأَلْبَلٍ ۝ تَكْرُمُوا آلَيْتُمُ ۝ ۱۷» اگر بل را ابتدائی فرض کرد و ترجمه نمود، معنای آیه این چنین می‌شود؛ بلکه شما را گرامی نمی‌دارید. این معنا پس از آن دو آیه مفهوم نیست و از سویی اگر آغاز کلام جدیدی باشد یا ترجمه به روی گردان بودن بل، معنا نمی‌دهد در ابتدای کلام پیش از هیچ سخنی، بلکه گفته شود: «أَكْرَمَ بِلْ عَاطِفُهُ» و معادل محذوف این آیه که وابسته به دو آیه قبل از آن است استخراج کرد، معنای آن چنین گویا و رسا می‌شود: «نه، هرگز چنین نیست. خدا که شما دولتمندان را از روزی نامحدودتری کامیاب می‌سازد، برای این آزمون است تا از یتیمان تفقد نمایید و بر درماندگان جامعه انفاق نمایید، ولی شما یتیمان را گرامی نمی‌دارید.» با توجه به مطالب مذکور، علاوه بر این که ترجمه‌های کهن قرآن کریم از گنجینه‌های ارزشمند زبان فارسی محسوب می‌شود و بدون تردید امروز، هر چه ترجمه و تفسیر و فهم قرآن پیش‌تر می‌رود، مدیون تلاش‌های در خور و دقیقی است که پیشینیان ترجمه با اعتنا به حفظ متن قرآن کرده‌اند مانند ترجمه ماندگار طبری

که اولین ترجمه رسمی است؛ لازم است به دقایق آن توجه کرد و به یک نوع ترجمه بسنده نکرد و ترجمه‌هایی با اصول صحیح و همراه با گوناگونی برای افشار و گروه‌های مختلف در سطوح سنی، تحصیلی، شغلی و دیگر اصناف در نظر گرفت و فقط به یک ترجمه با سطح تخصصی علوم قرآنی نپرداخت؛ زیرا به استناد آیات قرآن که آورده است: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» برای هدایت همگان نازل شده است و اسلام دین اختصاصی برای گروه خاصی نیست و برای همه مردم جهان است؛ همچنین «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا»؛ ترجمه قرآن یکی از ضرورت‌های دعوت دینی است اما از آنجا که هم به سندیت قرآن و هم تاریخ، به زبان و قرآن یکی از ضرورت‌های دعوت دینی است اما از آنجا که هم به سندیت قرآن و هم تاریخ، به زبان و فرهنگ آن جامعه بیان شده است، برای فارس‌زبانان و قبی قابل فهم است که ترجمه‌ای در خور مقتضیات زبانی و فهم فارسی‌زبان ارائه گردد. البته توجه و دقت در همه‌های اولیه ترجمه قرآن کاملاً مورد قبول و پسندیده است و بی شک کاملاً درست است که باید به قرآن افزود یا از آن مطلبی را کاست ولی در کنار آن رسایی و شیوایی کلام و قابل فهم بودن باید سرلوحه‌ی کار مترجم باشد. در این اثنا گاهی ترجمه نیازمند اضافه‌های مربوط به حذف معنوی و لفظی، از مقتضیات و ساختارهای زبانی و فرهنگ عرب است؛ زیرا غیر عرب‌زبان، با فرهنگ و ادب عرب آشنا نبوده و آموختن تمام مقدمات ترجمه قرآن به فارسی برای همه افراد مقدور نیست، حتی اگر افراد بر زبان عربی تسلط داشته باشند؛ باز هم مقدمات دیگری در امر ترجمه وجود دارد که برای مطالعه عمیق آنها برای ترجمه قرآن، نیازمند متخصص و کسی است که بخواهد مسئولیت این امر را بپذیرد. از آنجا که مترجمان این امر را عهده‌دار شده‌اند؛ بنابراین لازم است علاوه بر ترجمه‌های تخصصی، ترجمه‌هایی در خور عموم مردم نیز ارائه گردد. افزونی ترجمه در سال‌های اخیر نشان از نیاز جامعه به ترجمه‌هایی است که جای آن در میان ترجمه‌ها خالی است؛ زیرا تقاضا و نیازهای افراد آنها را به سمت و سوی رفع حاجت می‌کشاند و انگیزه‌ای قوی برای یافته‌های نو ایجاد می‌کند. دغدغه نگارنده محصول بزرگ مردی، یقین، صداقت و تلاش خالصانه پدر و مادری است که او را با قرآن مانوس کردند و علاوه بر آن آموزگاران اول، شایسته است از سرکار خانم مژگان سرشار، آقای سید محمد علی ایازی، آقای دکتر سید احمد امام زاده و آقای دکتر مرتضی کریمی نیا یاد و قدردانی کنم.

مریم خدابخشی